Quarterly Journal of "Islamic Economics Studies"

Vol. 17 | Issue 2 | Serial 34 | Winter 2025 | Pages 1-32
Research Paper | Received: 2026/04/17 | Accepted: 2026/09/01
10.30497/ies.2026.249850.2342

Productive Investment within the Governance Framework of the Prophetic State: An Institutional Approach to Reforming Iran's Economic Structure

Seyed Javad Mirzazadeh Ghassabkolayi: Faculty Member, Department of Economics, Imam Khomeini Education and Research Institute, Qom, Iran
mirzazadeh@iki.ac.ir | 0009-0009-8201-2016

Abstract

Over the past decade, the Iranian economy has faced the challenge of capital freezing in unproductive sectors and persistent structural imbalances. This study aims to review the governance model of the Prophetic government regarding the connection between the public finance system and investment promotion policies, seeking to extract implications for reforming the country's production structure. Employing a descriptive-analytical method and an institutional economics approach, this research examines the economic conduct of the Prophet Muhammad (PBUH) not as a historical report, but as a regulatory and facilitating system.

The findings indicate that the Prophetic government, by designing a transparent and discipline-oriented financial system, reduced investment risk and, through institutions such as productive quotas and a tax on stagnant money (liquidity Zakat), increased the cost of speculative activities and strengthened the incentive to enter the productive sector. Unlike current models that focus on price increases, the Prophetic model is based on facilitating access to basic resources and participation in profits and losses. The results show that the guidance of credit in early Islam was achieved by severing the link between wealth and rent and replacing the debt system with participatory contracts. The implications of this model for Iran are the need to

change the paradigm from imbalance management to productivity management and the real productivity of government assets.

Keywords: Investment, Governance, Prophetic State, Institutional Economics, Iranian Economy.

JEL Classification: O23,E22,N41,B15

مطالعات اقتصاد اسلامی
سال هفدهم | شماره دوم | پیاپی ۳۴ | زمستان ۱۴۰۳ | صفحات ۱-۳۲
مقاله پژوهشی | تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۱/۲۸| تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۶/۱۰
مقاله مدت ۱ روز جهت اصلاحات نزد نویسنده بوده است.

سرمایه‌گذاری مولد در چهارچوب حکمرانی دولت نبوی؛ رهیافت نهادی برای اصلاح ساختار اقتصادی ایران

سیدجواد میرزازاده قصابکلایی: استادیار، گروه اقتصاد، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام‌خمینی رحمت‌الله علیه، قم، ایران
mirzazadeh@iki.ac.ir | 0009-0009-8201-2016

چکیده

اقتصاد ایران در دهه اخیر با چالش انجماد سرمایه در بخش‌های غیرمولد و ناترازی‌های ساختاری روبه‌رو بوده است. پژوهش حاضر با هدف بازخوانی الگوی حکمرانی دولت نبوی در پیوند میان نظام مالیه عمومی و سیاست‌های تحریک سرمایه‌گذاری، به دنبال استخراج دلالت‌هایی برای اصلاح ساختار تولیدی کشور است. این تحقیق با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از رهیافت اقتصاد نهادی، سیره اقتصادی پیامبر اکرم (ص) را نه به‌مثابه یک گزارش تاریخی، بلکه به‌عنوان سیستمی تنظیم‌گر و تسهیلگر واکاوی می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دولت نبوی با طراحی نظام مالیه شفاف و انضباط‌محور، ریسک سرمایه‌گذاری را کاهش و از طریق نهادهایی مانند اقطاعات تولیدی و مالیات بر راکد ماندن پول (زکات نقدینگی)، هزینه فعالیت‌های سوداگرانه را افزایش داده و انگیزه ورود به بخش مولد را تقویت کرده است. برخلاف الگوهای کنونی که بر گران‌سازی متمرکزند، مدل نبوی بر تسهیل دسترسی به منابع پایه و مشارکت در سود و زیان استوار است. نتایج نشان می‌دهد که هدایت اعتبارات در صدر اسلام از طریق قطع پیوند میان ثروت و رانت و جایگزینی نظام بدهی با عقود مشارکتی صورت گرفته است. دلالت‌های این الگو برای ایران، لزوم تغییر پارادایم از مدیریت ناترازی به مدیریت بهره‌وری و مولدسازی واقعی دارایی‌های دولت است.

واژگان کلیدی: سرمایه‌گذاری، حکمرانی، دولت نبوی، اقتصاد ایران

طبقه‌بندی JEL: O23,E22,N41,B15

مقدمه

در دهه اخیر، اقتصاد ایران با پارادوکس پیچیده‌ای با عنوان «تله نقدینگی و انجماد سرمایه» مواجه شده است. به‌رغم رشد فزاینده حجم پول، بخش مولد اقتصاد با بحران تأمین مالی و کمبود سرمایه‌گذاری مواجه است. از منظر تحلیل گفتمان انتقادی، غلبه واژگانی مانند «ناترازی» و «یارانه‌های پنهان» در ادبیات رسمی منجر به تمرکز افراطی بر سیاست‌های قیمتی و گران‌سازی نهاده‌های تولید شده که نتیجه‌ای جز تضعیف انگیزه‌های سرمایه‌گذاری مولد و القای ناامیدی در پی نداشته است. این بن‌بست سیاست‌گذاری، بازخوانی الگوهای موفق حکمرانی اقتصادی را به ضرورتی حیاتی تبدیل کرده است.

الگوی حکمرانی دولت نبوی در مدینه، نخستین و ناب‌ترین صورت از پیوند میان فلسفه سیاسی اسلام و نظام اجرایی اقتصاد را عرضه می‌کند. مسئله بنیادین این است که پیامبر اکرم (ص) چگونه توانستند در محیطی با منابع محدود، نظامی از مالیه عمومی را طراحی کنند که نه‌تنها هزینه‌های حاکمیتی را پوشش دهد، بلکه به‌عنوان موتور محرک، هدایت اعتبارات و سرمایه‌های خُرد و کلان جامعه را به سمت آبادانی و تولید سوق دهد.

در سیره نبوی، نظام مالیه عمومی و تنظیم دخل‌وخرج بیت‌المال تنها یک ابزار حسابداری برای جمع‌آوری و توزیع درآمد نیست، بلکه نهادی تنظیم‌گر است که با تغییر قواعد بازی، هزینه فعالیت‌های غیرمولد و سوداگرانه را به‌شدت افزایش می‌دهد و در مقابل، ریسک سرمایه‌گذاری در بخش واقعی را از طریق شفافیت مالی و انضباط بودجه‌ای به حداقل می‌رساند. هدف این مقاله بازسازی تجربه نهادی تاریخی برای الهام‌بخشی به‌منظور اصلاح قواعد در اقتصاد معاصر است. این پژوهش با اتخاذ رهیافت نهادی، درصدد است ثابت کند که موفقیت دولت نبوی در تحریک سرمایه‌گذاری، نه ناشی از گران‌سازی، بلکه برآمده از تسهیل دسترسی به منابع پایه و اعتماد به توان داخلی بوده است. ضرورت این تحقیق در آن است که نشان دهد چگونه می‌توان با اصلاح ساختار مالیه عمومی و بازتعریف پیوند آن با سیاست‌های سرمایه‌گذاری، از پارادایم «مدیریت بحران» به سمت پارادایم «جهش تولید» حرکت کرد. براین‌اساس، پرسش اصلی تحقیق این است که «الگوی پیوند میان ابزارهای مالیه عمومی و مکانیسم هدایت اعتبار در دولت

نبوی دارای چه ویژگی‌های ساختاری است و این الگو چه دلالت‌های تحولی برای اصلاح نظام اقتصادی ایران دارد؟».

رویکرد روش‌شناختی این پژوهش، رویکرد استنباطی و درون‌بنیان در مطالعات سیره است و بر استنباط کاربردی از سیره معصوم (ع) تکیه دارد. براین‌اساس، گزارش‌های روایی و تاریخی مرتبط با موضوع، پس از شناسایی و ارزیابی اعتبار آن‌ها، صرفاً به‌عنوان وقایع تاریخی توصیف نمی‌شوند، بلکه ابتدا گزاره‌های اقتصادی و حقوقی نهفته در آن‌ها استخراج و سپس با تجمیع و مقایسه شواهد هم‌سنخ، قواعد، ترتیبات و سازوکارهای نهادی از درون منابع اسلامی استنباط می‌شود. در مرحله بعد، روابط میان این مؤلفه‌ها بررسی و بر اساس آن، الگوی منسجمی از حکمرانی اقتصادی نبوی در زمینه تحریک و هدایت سرمایه‌گذاری مولد بازسازی می‌شود. در این فرایند، رهیافت اقتصاد نهادی به‌عنوان چهارچوب تحلیلی برای تبیین کارکرد قواعد و نهادهای استنباط‌شده به کار گرفته می‌شود نه چهارچوبی که از بیرون بر منابع سیره تحمیل می‌شود. ازاین‌رو مفاهیمی مانند هزینه مبادله، حقوق مالکیت، سازوکارهای انگیزشی و مشارکت در ریسک، در مرحله تحلیل برای تبیین کارکرد اقتصادی مؤلفه‌های استخراج‌شده استفاده می‌شوند.

مسیر استنباط در پژوهش از داده‌های سیره‌ای به گزاره‌های اقتصادی، از گزاره‌ها به قواعد و سازوکارهای نهادی و از مجموعه قواعد به بازسازی الگوی حکمرانی حرکت می‌کند. سپس در مرحله کاربرد، دلالت‌های این الگو برای مسائل ساختاری اقتصاد ایران استخراج می‌شود. بدین ترتیب، میان داده تاریخی، استنباط نهادی و دلالت سیاستی تمایز برقرار و از تحمیل مستقیم نظریه‌ها و سیاست‌های معاصر بر گزارش‌های سیره پرهیز می‌شود[۱].

دیدگاه غیردقیق غالب درباره بساطت و سادگی حکومت نبوی و شکل‌گیری نهاد و مدیریت بیت‌المال در عصر خلفا موجب شده است که شیوه حکمرانی بیت‌المال در دوره نبوی و سیاست‌های اقتصادی آن مورد غفلت پژوهشی قرار گیرد و بدان پرداخته نشود.

---

۱. داده‌های این مقاله از طرح پژوهشیِ در دست انجامِ نویسنده با عنوان *نظام مالیه و بودجه‌ریزی دولت نبوی* اخذ شده است. روش‌شناسی «استنباط کاربردی از سیره» نیز با اقتباس از آن طرح که در آن به‌تفصیل تبیین و اجرا شده، در این مقاله به کار گرفته شده است.

آثار مربوط به بیت‌المال ازقبیل «سیره پیامبر اکرم (ص) در بیت‌المال» (کرجی، ۱۳۸۰)، «شیوه‌های تقسیم بیت‌المال در صدر اسلام» (منتظری مقدم، ۱۳۸۹) و امثال آن بیشتر به جنبه‌های تاریخی مسئله نگاه کرده‌اند و تحلیل‌های اقتصادی و نهادی درباره آن صورت نگرفته، به حکمرانی مالی و موضوعات اقتصادی گوناگون مربوط به آن مانند سرمایه‌گذاری مولد پرداخته نشده و با چالش‌ها و مسائل معاصر پیوند نخورده است، اما این پژوهش از این زاویه وارد واکاوی شده است که داده‌های تاریخی را با خوانشی نو از توصیف صرف خارج کند و به گفتمان و چالش‌های علمی روز پیوند بزند.

۱. رهیافت نهادی به اقتصاد دولت نبوی

در تحلیل علمی سیره اقتصادی پیامبر اکرم (ص)، عبور از سطح توصیف‌های تاریخی و اخلاقی و دستیابی به لایه‌های تبیینی و ساختاری مستلزم بهره‌گیری از چهارچوب‌های نظری اقتصاد نهادی جدید است. در این رهیافت، نهادها به‌مثابه مجموعه‌ای از قواعد رسمی و غیررسمی، سازوکارهای انگیزشی و ترتیبات حقوقی تعریف می‌شوند که رفتار کنشگران اقتصادی را جهت می‌دهند. براین‌اساس، الگوی حکمرانی اقتصادی دولت نبوی را می‌توان نه به‌عنوان مجموعه‌ای از سیاست‌های موردی، بلکه به‌مثابه نظام نهادی منسجمی تحلیل کرد که از طریق اصلاح قواعد، مسیر جریان سرمایه و اعتبارات را به سمت فعالیت‌های مولد هدایت می‌کرد. این الگو را می‌توان ذیل سه مؤلفه کلیدی بازخوانی کرد.

۱-۱. کاهش هزینه‌های مبادله و حذف اصطکاک‌های تولیدی

مبادلات و قراردادها در فضایی بدون اصطکاک و با هزینه مبادله صفر انجام نمی‌پذیرد (Mercur, 1989, p. 179). هزینه‌های مبادله شامل هزینه‌های کسب اطلاعات، انعقاد قرارداد، نظارت و اجرای تعهدات، نقشی تعیین‌کننده در سطح و جهت سرمایه‌گذاری ایفا می‌کنند. هرچه این هزینه‌ها بالاتر باشد، تمایل سرمایه‌ها به ورود به فعالیت‌های مولد کاهش و منابع به سمت فعالیت‌های کم‌ریسک‌تر یا غیرمولد سوق می‌یابد. سکوت و ابهام در متن عقود نسبت به بعضی از وظایف و حقوق به معنای وجود نقصان و شکاف در قرارداد است و می‌تواند به بروز اختلاف و تحمیل هزینه‌های قضایی بینجامد. نااطمینانی، نقصان

و عدم تقارن اطلاعات، هزینه‌های زیادی را بر مبادلات تحمیل و احتمال سوءاستفاده طرفین را بیشتر می‌کند (شریف‌زاده، ۱۳۹۱، صص. ۲۶۳ و ۲۷۹). وجود آداب، مقررات و قواعد مفروض از طریق تعیین حقوق و وظایف متقابل طرفین، هزینه مبادله را کاهش می‌دهد و از بر هم خوردن آن جلوگیری می‌کند.

در دولت نبوی، با اصلاح نهادهای حقوقی و معاملاتی، هزینه‌های مبادله به‌صورت معناداری به نفع تولیدکننده کاهش یافت. پیامبر (ص) از همان آغاز تشکیل حکومت و ایجاد نظام اقتصادی اسلامی، اقدام به ابطال و حذف مبادلات ظالمانه، ضرری و غرری جاهلی که نهاد مبادله و مالکیت را تضعیف می‌کرد، کردند و در مقابل، با وضع رژیم حقوقی جامع، عادلانه و شفاف، زیرساخت حقوقی مستحکمی برای شکل‌گیری مبادلات و قراردادها در فضایی امن و اطمینان‌آفرین ایجاد کردند. با وضع ضوابط حاکم بر مبیع و مثمن از حیث معلومیت، مقدار، جنس و ویژگی‌های محوری (حلی (محقق)، ۱٤۰۸ق، ج۲، ص. ۱۱)، رسول خدا (ص) مبادلات رایج جاهلی مانند نجش، بیع‌الحصاة، منابذه و ملامسه را که با کاستی‌های اطلاعاتی و با ماهیتی شبیه بخت‌آزمایی منجر به انتقال ناعادلانه دارایی به نفع یکی از طرفین مبادله می‌شد، ابطال و حذف کردند (کلینی، ۱۳٦۳، ج۵، ص. ۵۵۹؛ حر عاملی، ۱٤۱٦ق، ج۱۷، صص. ۳۵۸ و ٤۵۹؛ افغانی، بی‌تا، صص. ۵۹-٤٦). احتکار (حر عاملی، ۱٤۱٦ق، ج۱۷، ص. ٤۲٤)، کذب و غش در معامله (کلینی، ۱۳٦۳، ج۵، ص. ۱۷٤)، ربا (بقره/۲۷۹-۲۷۵، آل‌عمران/۱۳۰؛ حر عاملی، ۱٤۱٦ق، ج۱۸، ص. ۱۲۷) و اکل مال به باطل (بقره/ ۱۸۸) و مواردی ازاین‌دست که نااطمینانی و بی‌اعتمادی را بر مبادلات حاکم و نهاد مالکیت را تضعیف می‌کرد، تحریم شد.

قواعد فقهی مانند قاعده ید، قاعده لاحرج و اصالةالصحة که فقها از روایات اهل‌بیت استخراج کرده‌اند و نفی ضرر (کلینی، ۱۳٦۳، ج۵، ص. ۲۹۳)، غرر (حر عاملی، ۱٤۱٦ق، ج۱۷، صص. ۳۵۸ و ٤٤۸) و غبن (نوری، ۱٤۰۸ق، ج۱۳، ص. ۳۰۷) از معاملات، شکاف‌ها و خلأهای موجود در قراردادها را پر می‌کرد و ارتباط وثیقی با جبران کاستی‌ها و عدم تقارن اطلاعات داشت. وضع خیارات (کلینی، ۱۳٦۳، ج۵، ص. ۱۷٤؛ نوری، ۱٤۰۸ق، ج۱۳، ص. ۲۹۸) نیز نواقص و ابهامات در مبادله را جبران می‌کرد و به طرفین اطمینان از استیفای حقوق خویش را می‌داد. انواع مبادلات و عقود تحت ضوابطی قرار

گرفتند که زمینه‌های ابهام‌زا و تنش‌آفرین را از بین می‌برد (صدوق (شیخ)، ۱۳٦۳، ج٤، ص. ۳؛ حر عاملی، ۱٤۱٦ق، ج۱۷، صص. ۳۵۲ و ۳۵۷؛ حر عاملی، ۱٤۱٦ق، ج۱۸، ص. ۲٤۰؛ حر عاملی، ۱٤۱٦ق، ج۱۹، ص. ۱۰۸). کاستی‌های ناشی از رفتارهای غیرمعقول محجورین در تبادلات اقتصادی با ممنوعیت آن‌ها از تصرفات مالی برطرف می‌شد. با مدیریت دارایی‌های کودکان، سفیهان و مانند آن‌ها توسط بالغان واجد شرایط، هم حقوق و مصالح طرفین مبادلات تأمین می‌شد و هم با به‌کارگیری اموال آن‌ها در فعالیت‌های اقتصادی، کارایی تخصیصی اتفاق می‌افتاد (حر عاملی، ۱٤۱٦ق، ج۲۵، ص. ۳۱۲؛ شریف‌زاده، ۱۳۹۱، ص. ۲۷٦).

همچنین، رسمیت‌بخشی و تثبیت عقود مشارکتی مانند مضاربه، مزارعه و مساقات (ابن هشام، بی‌تا، ج۱، ص. ۱۸۸، ابن سعد، ۱۹٦۰م، ج۱، ص. ۱۵٦؛ عاملی، ۱٤۲٦ق، ج۹، ص. ۲٤۷) موجب شکل‌گیری ساختارهای قراردادی استاندارد و قابل پیش‌بینی شد. این عقود، با توزیع ریسک میان سرمایه و کار، اعتماد متقابل میان صاحبان سرمایه و عاملان تولید را افزایش دادند و امکان به‌کارگیری سرمایه‌های نقد در فعالیت‌های واقعی اقتصادی را فراهم ساختند. از این منظر، این عقود را می‌توان ابزارهای نهادی هدایت اعتبار به بخش مولد دانست نه صرفاً احکام فقهی یا ترتیبات حقوقی انتزاعی.

۱-۲. امنیت حقوق مالکیت و مولدسازی منابع پایه

یکی از پیش‌شرط‌های اساسی سرمایه‌گذاری مولد، تضمین امنیت حقوق مالکیت بر نتایج فعالیت اقتصادی است. در حکمرانی نبوی، نهاد مالکیت به‌گونه‌ای طراحی شد که پیوندی مستقیم و مشروط با «کار، احیا و تولید» داشته باشد. مالکیت بر اراضی بایر و منابع عمومی نه به‌عنوان یک حق ایستا، بلکه به‌عنوان نتیجه‌ای از اقدام تولیدی و آبادانی به رسمیت شناخته می‌شد.

قاعده فقهی–اقتصادی «من أحیا أرضاً میتهٔ فهی له» (هرکس زمین مرده‌ای را آباد کند، ازآنِ اوست) (کلینی، ۱۳٦۳، ج۵، ص. ۲۸۰)، زمین‌ها و منابع معطل را به‌صورت سیستماتیک وارد چرخه تولید می‌کرد و از طریق کاهش هزینه دسترسی به نهاده‌های پایه، یکی از مهم‌ترین موانع سرمایه‌گذاری را از میان برمی‌داشت. درنتیجه، سرمایه‌ها به‌جای

حرکت به سمت فعالیت‌های سوداگرانه، به سوی پروژه‌های واقعی کشاورزی، عمرانی و تولیدی هدایت می‌شدند. در این الگو، مالکیت نه رانت ناشی از تصاحب دارایی، بلکه پاداشی پویا برای سرمایه‌گذاری و تولید واقعی بود. استمرار این حق نیز به تداوم فعالیت مولد وابسته بود (ابن سعد، ۱۹٦۰م، ج۱، ص. ۲۷۳؛ عاملی، ۱٤۲٦ق، ج۹، صص. ۳۰۸–۳۰۰). بدین ترتیب، نهاد مالکیت در دولت نبوی کارکردی تشویقی برای سرمایه‌گذاری تولیدی ایفا می‌کرد.

۱-۳. تنظیم‌گری انگیزه‌ها: پارادایم جریمه رکود و تشویق جریان

نظام مالیه عمومی در دولت نبوی به‌گونه‌ای طراحی شده بود که ساختار انگیزشی کنشگران اقتصادی را به نفع جریان یافتن سرمایه تنظیم کند. یکی از عناصر محوری این نظام، افزایش هزینه–فرصتِ راکد نگه داشتن دارایی‌های نقد بود. تحریم کنز (توبه/۳٤) و زکات بر نقدینگی و اموالِ راکد (کلینی، ۱۳٦۳، ج۳، ص. ۵۰۹؛ بلاذری، ۱۹۵٦م، ج۱، ص. ۸۷)، عملاً به‌عنوان جریمه‌ای بر انجماد سرمایه عمل می‌کرد و نگهداری پول خارج از چرخه تولید را پرهزینه می‌ساخت. در مقابل، خروج سرمایه از حالت نقد و ورود آن به فعالیت‌های واقعی اقتصادی به‌ویژه در قالب عقود مشارکتی، با حمایت‌های نهادی همراه بود. معافیت‌ها و تسهیلات معاملاتی برای فعالان بازار (متقی هندی، ۱٤۰۱ق، ج٤، ص. ۱۰۰؛ عاملی، ۱۳۸۷، صص. ۵۲ و۵۳)، همراه با پرهیز حاکمیت از تحمیل عوارض و هزینه‌های اضافی بر مبادلات واقعی (ابوعبید، بی‌تا، ج۱، ص. ٦۳۲؛ عاملی، ۱۳۸۷، صص. ۸ و ۹)، محیطی ایجاد می‌کرد که در آن «جریان سرمایه» نسبت به «رکود دارایی» مزیت نهادی داشت.

این چیدمان انگیزشی، صاحبان ثروت را در انتخابی ساختاری قرار می‌داد؛ یا پذیرش کاهش ارزش واقعی دارایی‌های نقد از طریق رکود یا مشارکت در فرایند تولید و پذیرش ریسک واقعی اقتصاد. نتیجه سیستماتیک این سازوکار، هدایت خودکار اعتبارات به سمت بخش مولد و تقویت بنیان‌های سرمایه‌گذاری تولیدی در اقتصاد دولت نبوی بود.

۲. معماری مالیه عمومی به‌مثابه بستر سرمایه‌گذاری

نظام مالیه عمومی در دولت نبوی، صرفاً مجموعه‌ای از احکام درآمدی یا تکالیف عبادی نبود، بلکه معماری کلانی برای جهت‌دهی به جریان ثروت و تنظیم رفتار اقتصادی کنشگران بود. در این الگو، سیاست‌های مالی نه با هدف انباشت منابع در خزانه، بلکه با کارکرد فعال در کاهش نااطمینانی، تسهیل تولید و هدایت سرمایه‌ها به سمت فعالیت‌های مولد طراحی شده بودند. بر اساس شواهد تاریخی و تحلیل سیره نبوی، این معماری را می‌توان در چند محور مکمل تبیین کرد.

۲-۱. انضباط بودجه‌ای و قواعد حکمرانی مالی (کاهش نااطمینانی)

انضباط مالی، رفتار دولت نبوی را برای فعالان اقتصادی پیش‌بینی‌پذیر می‌کرد. قواعد حاکم بر دخل‌وخرج عمومی بر شفافیت، پاسخ‌گویی و پرهیز از هزینه‌کرد بدون پشتوانه استوار بود؛ به‌گونه‌ای که هزینه‌های عمومی صرفاً در چهارچوب منابع تحقق‌یافته انجام می‌شد؛ توضیح آنکه، اقتصاد دولت نبوی بر درآمدهای واقعی و بالفعل مانند زکات، خمس، جزیه، فیء و غنائم جنگی استوار بود و هیچ هزینه‌ای بدون تحقق منابع انجام نمی‌شد. دولت تنها زمانی اقدام به هزینه می‌کرد که درآمد بالفعل وجود داشت. در غیر این صورت یا مخارج کاهش می‌یافت یا از منابع جایگزین مانند کمک‌های مردمی و داوطلبانه استفاده می‌شد. این ویژگی، بودجه دولت نبوی را ذاتاً موقت‌اندوز، متوازن و پایدار می‌ساخت.

اصل بنیادین هزینه‌کرد در نظام مالی پیامبر (ص) چنین بود که «هر مقدار درآمد تحقق یابد، همان مقدار هزینه می‌شود و هزینه‌ای بدون درآمد واقعی انجام نمی‌شود». اگر درآمد ۱۰۰ واحد بود، همان ۱۰۰ واحد توزیع می‌شد. اگر ۸۰ واحد تحقق می‌یافت، تنها همان ۸۰ واحد هزینه می‌شد و اگر ۱۲۰ واحد بود، هزینه‌ها نیز تا ۱۲۰ افزایش می‌یافت. برای مثال، اگر غنائمی از جنگ‌ها حاصل می‌شد، سهم مجاهدان از غنائم همان واقعه تخصیص می‌یافت (کلینی، ۱۳٦۳، ج۱، ص. ۵۳۹؛ طوسی (شیخ)، ۱۳٦۵، ج٤، ص. ۱۲۸) و اگر چیزی به دست نمی‌آمد، چیزی پرداخت نمی‌شد. این در عمل به معنای آن بود که دولت هیچ‌گاه بر مبنای پیش‌بینی درآمد یا تعهدات آتی برنامه‌ریزی نمی‌کرد، تعهدات

ثابت و آینده‌محور ایجاد نمی‌شد، حقوق و مزایا تنها پس از تحقق درآمد پرداخت می‌شد و پرداخت‌ها به‌صورت درآمدپایه و موقعیت‌محور انجام می‌گرفت بدون ایجاد تعهد دائمی یا بلندمدت. این رویکرد، امکان بروز رفتارهای سلیقه‌ای در اخذ یا تخصیص منابع را به حداقل می‌رساند.

گزارش‌های تاریخی مربوط به سازمان‌دهی کارگزاران مالی در مناطق مختلف و نظارت مستقیم پیامبر اکرم (ص) بر عملکرد آنان ازجمله مطالبه صورت‌حساب دقیق اموال و جلوگیری از اختلاط دارایی شخصی با بیت‌المال (ابوعبید، بی‌تا، ج۱، ص. ۳۳۸؛ بخاری، ۱٤۲۲ق، ج۲، ص. ۱۳۰؛ بخاری، ۱٤۲۲ق، ج۹، ص. ۷۰)، نشان‌دهنده استقرار قواعد سخت‌گیرانه حسابرسی و کنترل مالی است. این شفافیت نهادی، ریسک‌های ناشی از فساد، سوءاستفاده یا تغییرات پیش‌بینی‌ناپذیر سیاست مالی را کاهش می‌داد.

از منظر اقتصادی، چنین انضباطی منجر به کاهش هزینه‌های مبادله و نااطمینانی می‌شود؛ امری که پیش‌شرط اساسی خروج سرمایه‌ها از پناهگاه‌های غیرمولد و ورود آن‌ها به پروژه‌های تولیدی با افق زمانی بلندمدت است. سرمایه‌گذار در چنین محیطی اطمینان دارد که ثمره فعالیت اقتصادی او در معرض مصادره، مالیات‌های ناگهانی یا تغییر قواعد قرار نخواهد گرفت.

۲-۲. تخصیص راهبردی بودجه و تأمین زیرساخت‌های تولید

بررسی چگونگی هزینه‌کرد منابع عمومی در دولت نبوی نشان می‌دهد که بخش معناداری از بیت‌المال مستقیماً صرف تسهیل فعالیت‌های تولیدی و کاهش هزینه‌های اولیه سرمایه‌گذاری می‌شد. این مداخلات را می‌توان در سه سطح اصلی مشاهده کرد.

نخست، تأمین امنیت بازارها و معاملات از طریق ایجاد نظم حقوقی در مبادلات و نظارت بر سلامت بازار: خود نبی مکرم (ص) گاه که از بازار عبور و فسادی مانند غش در معاملات را مشاهده می‌کردند، تذکر می‌دادند (کلینی، ۱۳٦۳، ج۵، ص. ۱٦۰؛ طوسی (شیخ)، ۱۳٦۵، ج۷، ص. ۱۳). در گزارش‌ها آمده است که حضرت (ص) بعد از فتح مکه، سعیدبن‌سعیدبن‌عاص را بر بازار این شهر گماشتند (ابن عبدالبر القرطبی، ۱٤۱۲ق، ج۲، ص. ٦۲۱؛ ابن حجر عسقلانی، ۱٤۱۵ق، ج۳، ص. ۸۸). بخاری نقل می‌کند که پیامبر

کسانی را مأمور می‌کردند تا مردم را از تلقی رُکبان و خریدوفروش در بیرون از شهر هنگام استقبال از کاروان‌های تجاری منع کنند یا با بیع مُجازَفَه (دادوستد بدون تعیین مقدار کالا (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۵، ج۲، صص. ۱۵۷-۱۵۵) مقابله کنند (بخاری، ۱٤۲۲ق، ج۳، صص. ٦٦ و ٦٨). این اقدامات، ریسک معاملاتی را کاهش می‌داد و امکان برنامه‌ریزی اقتصادی را برای فعالان بازار فراهم می‌کرد.

دوم، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های عمومی به‌ویژه در حوزه منابع آب و دسترسی‌های حیاتی: رسول خدا (ص) در راستای تخصیص عادلانه منابع طبیعی، آب را از مشترکات عمومی اعلام و هرگونه محروم‌سازی دیگران از مازاد آب را نهی کردند (حر عاملی، ۱٤۱٦ق، ج۲۵، ص. ٤۱۷؛ نوری، ۱٤۰۸ق، ج۱۳، ص. ۲۸۳؛ نوری، ۱٤۰۸ق، ج۱۷، صص. ۱۱٤ و ۱۱٦). ایشان تصریح کردند که اهل مدینه نباید استفاده عمومی از جوی‌های نخل را منع کنند و اهل بادیه نیز نباید مانع بهره‌برداری دیگران از مازاد آب شوند (کلینی، ۱۳٦۳، ج۵، ص. ۲۹۳). بر اساس روایت امام‌صادق (ع)، رسول‌الله (ص) از فروش مازاد سهمیه آب (نطاف) و مازاد آب آبیاری (اربعا) منع کردند و تأکید داشتند این آب‌ها باید رایگان در اختیار دیگران قرار گیرد (کلینی، ۱۳٦۳، ج۵، ص. ۲۷۷). در ادامه همین سیاست، پیامبر (ص) چاه‌ها و چشمه‌های متعددی را به افراد مختلف دارای شرایط واگذار کردند (ابن سعد، ۱۹٦۰م، ج۱، ص. ۲٦٦؛ احمدی میانجی، ۱٤۱۹ق، ج۱، صص. ۳٤۷-۳۳۲؛ احمدی میانجی، ۱٤۱۹ق، ج۳، صص. ٤٤۳-٤٤۱). انحصارزدایی از منابع آبی و فراهم‌سازی دسترسی عمومی به آن‌ها، هزینه اولیه سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی و دامداری را به‌طور معناداری کاهش و بازده انتظاری فعالیت‌های مولد را افزایش می‌داد.

سوم، توجه به سرمایه انسانی از طریق آموزش و سوادآموزی (مقریزی، ۱٤۲۰ق، ج۱، ص. ۱۱۹، ابن عبدالبر القرطبی، ۱٤۱۲ق، ج۳، ص. ۹۲۰؛ ابن حجر عسقلانی، ۱٤۱۵ق، ج۱، ص. ٤٦): این سیاست، زیربنای ارتقای بهره‌وری نیروی کار و افزایش ظرفیت تولیدی جامعه را شکل می‌داد.

درمجموع، این نوع تخصیص بودجه را می‌توان نوعی سرمایه‌گذاری دولتی مکمل دانست که تقویت‌کننده و تسهیلگر سرمایه‌گذاری مردمی بود. ایجاد این زیرساخت‌ها

نشان‌دهنده تأمین کالاهای عمومی توسط دولت برای کاهش هزینه اولیه سرمایه‌گذاران بود.

۲-۳. تعادل بودجه جریان‌محور و خودتنظیمی نهادی

یکی از ویژگی‌های متمایز مالیه عمومی در دولت نبوی، ماهیت جریان‌محور تعادل بودجه بود. برخلاف الگوهای کلاسیک و نئوکلاسیک مالیه عمومی که بر برآورد درآمدها، پیش‌بینی هزینه‌ها و ایجاد تعهدات آتی استوارند، در این نظام هزینه‌های عمومی منحصراً از محل درآمدهای تحقق‌یافته انجام می‌شد؛ یعنی هر مقدار از درآمدهای زکات، خمس، جزیه، خراج و غنائم حاصل می‌شد، پیامبر (ص) به همان میزان در مصارف آن‌ها هزینه می‌کردند. مقدار هزینه‌کرد تابع مقدار درآمد بود. این سازوکار، نوعی خودتنظیمی نهادی در سیاست مالی ایجاد می‌کرد که امکان شکل‌گیری بدهی ساختاری، کسری مزمن و ناترازی پایدار را از بین می‌برد. از منظر سرمایه‌گذاری، حذف بدهی‌های انباشته دولت به معنای کاهش ریسک سیاستی و مالی است؛ زیرا فعال اقتصادی با دولتی مواجه است که تعهدات خود را بر پایه منابع واقعی تنظیم می‌کند و برای جبران کسری‌ها به مداخلات ناگهانی یا فشار بر بخش مولد متوسل نمی‌شود.

۲-٤. سرعت گردش منابع عمومی و کاهش ریسک سرمایه‌گذاری

فراتر از ترکیب درآمدها و انضباط مالی، شیوه زمان‌بندی تخصیص منابع عمومی در دولت نبوی نقش تعیین‌کننده‌ای در رفتار سرمایه‌گذاران ایفا می‌کرد. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که منابع مالی و کالایی در اختیار حاکمیت، بدون تأخیر و انباشت، در کوتاه‌ترین زمان ممکن وارد چرخه توزیع و مصرف واقعی می‌شد. در بعضی از منابع شیعه و سنی آمده است که رسول خدا (ص)، درآمدها و اموالی را که به دست ایشان می‌رسید، در همان روز در محل خودش صرف می‌کردند. در *الغارات* از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده است که پیامبر (ص) چیزی را برای فردا حبس نمی‌کردند و همه را همان روز توزیع می‌کردند (ثقفی کوفی، ۱٤۱۰ق، ج۱، ص. ٤۷). ابن زنجویه در *الاموال* می‌نویسد که حضرت (ص) اگر اموالی از فیء یا غیره به دستشان می‌رسید، همان روز تقسیم می‌کردند. اگر صبح

می‌رسید، نمی‌گذاشتند به ظهر برسد و اگر شامگاه می‌رسید، نمی‌خوابیدند تا به دست اهلش برسانند (ابن زنجویه، ١٤٠٦ق، ج۳، صص. ۱۲۷۷ و ۱۲۷۸).

براین‌اساس، بیت‌المال به محل ذخیره‌سازی و انجماد دارایی‌ها تبدیل نمی‌شد، بلکه مانند یک گره عبوری در جریان ثروت عمل می‌کرد. سرعت بالای گردش منابع عمومی به‌طور مستقیم نااطمینانی را کاهش می‌دهد و ریسک سرمایه‌گذاری را محدود می‌کند. هنگامی که فعال اقتصادی اطمینان دارد پرداخت‌ها و ایفای تعهدات دولت به تعویق نمی‌افتد، هزینه‌های مبادله کاهش می‌یابد و امکان برنامه‌ریزی بلندمدت فراهم می‌شود. این ویژگی برای سرمایه‌گذاری‌های تولیدی که دارای دوره بازگشت زمانی هستند، اهمیت حیاتی دارد. افزون‌براین، توزیع مستمر و غیرانباشت منابع عمومی مانع شکل‌گیری شوک‌های مقطعی و نوسانات شدید در دسترسی به کالاها و نهاده‌ها می‌شود. در چنین ساختاری، سرمایه‌گذاری‌ها در محیطی باثبات‌تر انجام می‌شود و بازده انتظاری آن‌ها از نوسانات سیاست مالی مصون می‌ماند. ازاین‌رو زمان‌بندی تخصیص منابع در الگوی نبوی نه امری اداری، بلکه متغیری کلیدی در هدایت اعتبارات به بخش مولد شمرده می‌شود.

۲-۵. مدیریت دارایی‌های عمومی به‌جای رانت‌خواری

در حکمرانی نبوی، دارایی‌های عمومی و منابع پایه به‌عنوان ابزار پاداش به تولید و کار مورد استفاده قرار می‌گرفتند نه منبعی برای رانت‌جویی یا جبران کسری‌های جاری. حق بهره‌برداری از زمین‌ها و منابع عمومی مشروط به شرایطی مانند اسلام، ایمان، احیا و اصلاح بود (ابن سعد، ١٩٦٠م، ج۱، ص. ۲۷۳؛ عاملی، ١٤٢٦ق، ج۹، صص. ۳۰۸-۳۰۰) و به افرادی واگذار می‌شد که توان و انگیزه احیا و آبادانی داشتند. این واگذاری‌ها مشروط به تداوم فعالیت تولیدی بود و در صورت توقف، حق بهره‌برداری سلب می‌شد. بر اساس فقه اسلامی، اگر کسی که زمین به او واگذار شده است، احیای آن را ترک کند، بین احیا و رها کردن آن مخیر می‌شود و در صورت عذر، به او مهلت داده می‌شود. چنانچه وی بدون عذر زمین را احیا نکند، زمین از او پس گرفته می‌شود (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۵، ج۱، ص. ٦٥٤).

این سیاست، ثروت عمومی را از دارایی ایستا به سرمایه‌ای پویا تبدیل می‌کرد و مانع سوداگری زمین و حبس منابع می‌شد. از منظر سرمایه‌گذاری، چنین نهادی هزینه دسترسی به نهاده‌های پایه را کاهش و سرمایه‌ها را به سمت فعالیت‌های واقعی اقتصادی سوق می‌دهد.

۲-٦. غلبه کالایی ماهیت مالیه عمومی و مهار تورم نهادی

بودجه‌های مدرن به‌تمامی بر مبنای واحد پولی و قیمت بازاری، ارزش‌گذاری و ثبت می‌شوند. این قیمت‌گذاری خود می‌تواند با دادن سیگنال به بازار، اثر تورمی داشته باشد. برخلاف آن، یکی از ویژگی‌های بنیادین نظام مالی دولت نبوی، فعالیت در بستر اقتصاد دوگانه‌ای بود که در آن «پول فلزی» (درهم و دینار) و «مبادله کالایی» هم‌زمان جریان داشت و ماهیت بخش زیادی از درآمدها و مصارف عمومی بیت‌المال، کالایی بود. بخش عمده‌ای از منابع در قالب اقلام عینی مانند زکات‌های کالایی، خراج و غنائم دریافت و بدون الزام به تبدیل پولی، به‌طور مستقیم در تأمین نیازهای عمومی مصرف می‌شد. این رویکرد، از تبدیل گسترده منابع واقعی به نقدینگی و تزریق پول به اقتصاد جلوگیری می‌کرد.

به‌رغم جریان درهم و دینار در اقتصاد مدینه، اما اقتصاد ساده عصر نبوی، رواج کشاورزی و درآمد پایین مردم اقتضا می‌کرد که بخش بزرگی از مبادلات و پرداخت‌ها به‌صورت تهاتری و کالایی صورت گیرد. شهرت مدینه به نخلستان‌های فراوان آن بود که قوت غالب مردم آنجا را تشکیل می‌داد. بر خرما معامله می‌شد و به‌عنوان مزد قرار می‌گرفت (شریف، بی‌تا، ج۱، صص. ۲۹۵-۲۹۲). ترکیب پولی و کالایی منابع بیت‌المال نشان می‌دهد که سهم بیشتر آن را کالا تشکیل می‌داده است. زکات چهارپایان و غلات کالایی بود و زکات نقدین به‌صورت درهم و دینار پرداخت می‌شد (کلینی، ۱۳٦۳، ج۳، ص. ۵۰۹؛ بلاذری، ۱۹۵٦م، ج۱، ص. ۸۷). زکات فطره، یک صاع طعام به‌ازای هر فرد بود. خمس که عمده آن مربوط به خمس غنائم بود، بیشتر صورت کالایی داشت؛ زیرا غنائم شامل زمین، اسلحه و ابزار جنگی، مرکب، اسیر و... می‌شد و بخش دیگری از آن را درهم و دینار دربرمی‌گرفت (صدوق (شیخ)، ۱۳٦۳، ج۳، ص. ۲۳۹، طوسی (شیخ)،

۱۳٦٥، ج٤، ص. ١٤٦؛ ابن سعد، ١٩٦٠م، ج٢، ص. ١٥٢). خراج سهمی از محصولات زمین‌های غنیمتی بود (کلینی، ١٣٦٣، ج٣، ص. ٥١٢؛ صدوق (شیخ)، ١٣٦٣، ج٣، ص. ٢٣٩؛ طوسی (شیخ)، ١٣٦٥، ج٤، ص. ١٤٦). جزیه که به‌صورت مالیات سرانه بر هر فرد بالغ بسته می‌شد، بیشتر جنبه پولی داشت، اما در برخی از گزارش‌ها به محصولات و کالاها نیز اشاره شده است (بلاذری، ١٩٥٦م، ج١، صص. ٧٦، ٨٦ و ٩٥؛ ابن سعد، ١٩٦٠م، ج١، ص. ٢٨٩؛ مجلسی، ١٣٦٨، ج٢١، ص. ٢٥٧). همچنین، تعهد اهل ذمه برای تغذیه و پذیرایی از مسلمانان و رزمندگان عبوری نیز شکل کالایی داشت (بلاذری، ١٩٥٦م، ج١، ص. ٧١؛ ابن سعد، ١٩٦٠م، ج١، ص. ٣٥٢؛ مجلسی، ١٣٦٨، ج٢١، ص. ٢٥٧). عاریه‌هایی که پیامبر (ص) می‌گرفتند، ابزارهای جنگی و غیرجنگی مورد نیاز بود (کلینی، ١٣٦٣، ج٥، ص. ٢٤٠، ابن هشام، بی‌تا، ج٢، ص. ٤٤٠؛ واقدی، ١٤٠٩ق، ج٢، صص. ٤٤٥ و ٨٥٤). انفاقات مردمی گاه به‌صورت درهم و دینار انجام می‌گرفت (ابن هشام، بی‌تا، ج٢، ص. ٥١٧؛ واقدی، ١٤٠٩ق، ج٣، ص. ٩٩٠) و گاه نیز ماهیت غیرپولی مانند بخشش و وقف باغ و بستان داشت (ابن هشام، بی‌تا، ج١، ص. ٥١٨؛ واقدی، ١٤٠٩ق، ج١، ص. ٣٧٨). عرصه‌های اعطایی انصار به نیازمندان مهاجر واگذار شد (حموی، ١٣٩٩ق، ج٥، ص. ٨٦؛ بلاذری، ١٩٥٦م، ج١، ص. ٥)؛ البته موارد معدود استقراض ماهیت نقدی داشت (واقدی، ١٤٠٩ق، ج٣، صص. ٨٦٣ و ٨٨٢؛ طبرسی، ١٤١٧ق، ج١، ص. ٣٨٦).

بنابراین، سبد درآمدی بیت‌المال نشان می‌دهد که اقتصاد عصر نبوی، اقتصادی دوگانه با ترکیبی هوشمندانه از پول و کالا بود که مبادلات کالایی سهم بیشتری را به خود اختصاص می‌داد. ازآنجاکه اقتصاد مدینه، اقتصادی کشاورزی‌محور بود، دریافت مالیات کالایی (مانند خرما و گندم) با ساختار تولید و جریان درآمدی مؤدیان سازگاری بیشتری داشت. همچنین، دریافت مالیات به‌صورت کالا و توزیع همان کالا میان نیازمندان، هزینه‌های تبدیل دارایی و اصطکاک مبادلاتی را برای دولت کاهش می‌داد.

پیامد نخست این سازوکار، مهار فشارهای تورمی و کاهش نااطمینانی قیمتی بود. ثبات نسبی قیمت‌ها، قدرت پیش‌بینی‌پذیری اقتصاد را افزایش می‌داد و افق‌های بلندمدت سرمایه‌گذاری را امکان‌پذیر می‌ساخت. پیامد دوم، تقویت پیوند میان سیاست مالی و بخش واقعی اقتصاد بود؛ زیرا تخصیص مستقیم منابع به معیشت، کشاورزی و تولید،

ظرفیت‌های واقعی اقتصاد را افزایش می‌داد، بازده انتظاری فعالیت‌های مولد را بالا می‌برد و ریسک‌های ناشی از بی‌ثباتی پولی را کاهش می‌داد. اگر دولت منابع واقعی را به پول تبدیل می‌کرد و آن پول وارد بازار می‌شد، قیمت‌ها دچار نوسان می‌شدند، اما با این شیوه تخصیص، سرمایه‌گذار نگران کمبود مواد اولیه و منابع مورد نیاز یا افزایش قیمت برای تولید نبود و فعالیت‌های تولیدی را با ثبات بیشتری برنامه‌ریزی می‌کرد. بنابراین، بازده انتظاری فعالیت اقتصادی واقعی افزایش می‌یابد؛ زیرا احتمال سوددهی بالا و امن بیشتر است. در چنین محیطی، تصمیم‌گیری اقتصادی کمتر تحت تأثیر نوسانات پولی و قیمتی قرار می‌گرفت و بیشتر بر متغیرهای واقعی تولید و بهره‌وری استوار می‌شد. ازاین‌رو غلبه کالایی ماهیت مالیه عمومی، مؤلفه‌ای مهم در ایجاد ثبات اقتصاد کلان و فراهم‌سازی محیط مساعد برای سرمایه‌گذاری مولد بود.

۲-۷. سرمایه‌گذاری اجتماعی

یکی از وجوه تمایز الگوی نبوی، پیوند میان انگیزش‌های معنوی و اهداف اقتصادی است. انفاقات مردمی در صدر اسلام، تنها صرف معیشت آنی فقرا نمی‌شد، بلکه بخشی از آن به سمت صدقات جاریه و وقف تولیدی هدایت می‌شد. محصولات و ثمرات باغاتی که مُخَیریق، بزرگ قبیله یهودی بنی‌نضیر، برای پیامبر (ص) وصیت کرده بود، برای نیاز فقرا و دیگر نیازها هزینه می‌شد (ابن هشام، بی‌تا، ج۱، ص. ۵۱۸؛ واقدی، ۱٤۰۹ق، ج۱، ص. ۳۷۸). گزارش‌هایی از وقف چاه، باغ و... توسط مسلمانان ثبت شده است (بخاری، ۱٤۲۲ق، ج۲، صص. ۱۱۹؛ واقدی، ۱٤۰۹ق، ج۲، ص. ٥٤۷) تا جایی که از جابربن‌عبدالله انصاری نقل شده است که کسی از صحابه نبود که توان مالی داشته باشد و چیزی را وقف نکند (نوری، ۱٤۰۸ق، ج۱٤، ص. ٤۷). این نوع وقف‌ها، نوعی تأمین مالی مردمی برای زیرساخت‌های تولید بود. این امر بار بودجه‌ای دولت را کاهش و هم‌زمان، منابع لازم برای تولید را به‌صورت رایگان یا ارزان در اختیار جامعه قرار می‌داد. این نوع سرمایه‌گذاری اجتماعی در قالب فرهنگ اقتصادی مولد، سرمایه‌های داوطلبانه را به خدمت پیشرفت جامعه درآورد.

۲-۸. نظام سهم‌بری

مجاهدان و نیروهای نظامی حقوق مقطوع نداشتند و سهم آنان بر اساس درصدی از غنائم جنگی پرداخت می‌شد. حضرت (ص) با حاکم کردن نظامی قاعده‌مند برای تقسیم و هزینه‌کرد غنائم، خدمات نظامیان و رزمندگان را به شیوه سهم‌بری از منابع تحقق‌یافته و نه به‌صورت تعهدات ثابت و از پیش تعیین‌شده، برای سواره‌نظام و پیاده‌نظام جبران می‌کردند (طوسی (شیخ)، ۱۳٦٥، ج٤، ص. ۱۲۸؛ ابوعبید، بی‌تا، ج۱، ص. ۲۱). این سازوکار از سویی موجب توزیع ریسک نوسانات درآمدی میان دولت و ذی‌نفعان می‌شد و درنتیجه، با کاهش درآمد، فشار کسری بودجه به‌طور خودکار افزایش نمی‌یافت. بدین‌ترتیب، تعهدات مالی دولت همواره متناسب با توان واقعی منابع تنظیم می‌شد. از سوی دیگر، به‌عنوان یک شوک مثبت نقدینگی عمل می‌کرد. تقسیم سریع غنائم میان رزمندگان که بخش بزرگی از سرپرستان خانوار را شامل می‌شدند، توده مسلمانان را صاحب سرمایه‌ای می‌کرد که می‌توانستند آن را به سمت بازارهای تولیدی و کشاورزی حرکت دهند. این مکانیسم، نرخ مشارکت اقتصادی را در مدینه افزایش می‌داد.

جدول ۱. کارکرد منابع مالی دولت نبوی و دلالت‌های آن برای سرمایه‌گذاری مولد

سرفصل درآمدی	کارکرد در حکمرانی نبوی	دلالت بر هدایت اعتبارات و سرمایه‌گذاری
زکات	مالیات بر دارایی‌های نقد و نصاب‌های تولیدی	رفع انجماد ثروت: مبارزه با رکود پول و اجبار سرمایه به حرکت در بازار تولید
خمس	مالیات بر درآمدهای مازاد و اتفاقی و ثروت‌های کلان	بازتوزیع عادلانه: توانمندسازی و تأمین سرمایه اولیه طبقات نوپا برای خروج از فقر و ورود به چرخه کار و تولید
غنائم جنگی	ثروت‌های حاصل از فتوحات	تزریق نقدینگی به بخش واقعی: تقسیم چهارپنجم غنائم میان مجاهدان و فراهم کردن قدرت خرید و سرمایه لازم برای تشکیل هسته‌های کوچک تولیدی و تجاری

سرفصل درآمدی	کارکرد در حکمرانی نبوی	دلالت بر هدایت اعتبارات و سرمایه‌گذاری
انفال و فیء	ثروت‌های پایه و عمومی در اختیار حاکمیت	تخصیص نهاده‌های پایه: واگذاری اراضی به‌شرط احیا (اقطاع تولیدی) و صفر کردن هزینه زمین برای سرمایه‌گذار و تولیدکننده
خراج	عواید حاصل از اراضی عمومی	تأمین کالاهای عمومی: ایجاد زیرساخت‌های اساسی و کاهش هزینه و ریسک سرمایه‌گذاری عمومی
جزیه	عواید حاصل از قراردادهای سیاسی	امنیت و ثبات: تأمین هزینه‌های نظامیان و تضمین امنیت فضای سرمایه‌گذاری
انفاقات مردمی	سرمایه‌گذاری داوطلبانه اجتماعی	تأمین سرمایه تولیدی و کالاهای عمومی: کاهش هزینه تولید از طریق تأمین سرمایه‌های خرد نیازمندان و ایجاد زیرساخت‌های پایداری مانند چاه‌های آب و نخلستان‌های وقفی

منبع: یافته‌های پژوهش.

۳. سیاست‌های عملیاتی در تحریک تولید

در این بخش، پژوهش به بررسی سیاست‌ها و مکانیسم‌هایی می‌پردازد که مستقیماً انگیزه‌ها و رفتار سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی را هدف قرار می‌داد. برخلاف رویکردهای انتزاعی یا صرفاً اخلاقی، سیاست‌های اقتصادی در دولت نبوی بر پیوند واقعی میان «سرمایه»، «کار» و «عوامل تولید» استوار بود. در این چهارچوب، دولت با طراحی قواعد عملیاتی مشخص، مسیر حرکت نقدینگی را از فعالیت‌های غیرمولد به سمت تولید واقعی هدایت می‌کرد.

۳-۱. عقود مشارکتی به‌مثابه ابزارهای هدایت اعتبار

در سیره اقتصادی نبوی، هدایت اعتبار نه از مسیر وام‌های مبتنی بر بهره، بلکه از طریق عقود مشارکتی و مبتنی بر سود و زیان تحقق می‌یافت. رسمیت یافتن و به‌کارگیری گسترده عقودی مانند مضاربه، مزارعه و مساقات، جایگزینی عملی و کارآمد برای نظام بهره فراهم می‌کرد. پس از هجرت پیامبر (ص) به مدینه و ترغیب انصار و مهاجران به

عقود مشارکتی، قراردادهای مضاربه، مزارعه و مساقات رواج یافت (بیهقی، ١٤٢٤ق، ج٦، ص. ۱۹۱؛ عاملی، ١٤٢٦ق، ج۹، ص. ٢٤٧). مصداق تاریخی دیگر این سیاست، الگوی اداره اراضی خیبر است. پس از فتح خیبر، پیامبر اکرم (ص) زمین‌ها را در اختیار بهره‌برداران بومی قرار دادند و سهمی از محصول را به‌عنوان حق مالکانه تعیین کردند (بیهقی، ١٤٢٤ق، ج٦، ص. ۱۸۸؛ ابوعبید، بی‌تا، ج۱، ص. ۷۱).

از منظر اقتصادی، این عقود صرفاً قالب‌های حقوقی نیستند، بلکه سازوکاری برای توزیع ریسک میان سرمایه و کار شمرده می‌شوند. در این مدل، سرمایه تنها هنگامی بازدهی دارد که به تولید واقعی منجر شود و سود بدون مشارکت در ریسک امکان‌پذیر نیست. نتیجه طبیعی چنین ساختاری، کاهش انگیزه برای انباشت نقدینگی در فعالیت‌های صوری و هدایت آن به سمت پروژه‌های واقعی تولیدی است. این الگو ریسک تولید را میان طرفین تقسیم می‌کند و فشار یک‌جانبه بر عامل تولید را برمی‌دارد. همچنین، شریک بودن نیروی کار در محصول نهایی، انگیزه‌ای قوی برای افزایش بهره‌وری، بهبود کیفیت و استمرار فعالیت ایجاد می‌کند. این منطق در مضاربه تجاری و مساقات باغی نیز جاری است و باعث می‌شود نقدینگی جامعه به‌جای وام‌دهی سوداگرانه، به سمت مشارکت در فعالیت‌های مولد حرکت کند.

۳-۲. تنظیم‌گری بازار و بازدارندگی از فعالیت‌های غیرمولد و سوداگرانه

در کنار تشویق تولید، دولت نبوی با شناسایی فعالیت‌هایی که سرمایه را از بخش واقعی اقتصاد منحرف می‌کرد، هزینه این رفتارها را به‌طور معناداری افزایش داد. این سیاست‌ها به‌صورت قواعد الزام‌آور و اجرایی اعمال می‌شد و تنها توصیه اخلاقی نبود. تحریم قاطع ربا (بقره/۲۷۹-۲۷۵، آل‌عمران/۱۳۰؛ حر عاملی، ١٤١٦ق، ج۱۸، ص. ۱۲۷)، مسیر سودآوری بدون پذیرش ریسک تولید را مسدود می‌کرد و امکان کسب بازده تضمین‌شده از محل پول را از بین می‌برد. همچنین، زکات نقدین (کلینی، ١٣٦٣، ج۳، ص. ۵۰۹؛ بلاذری، ١٩٥٦م، ج۱، ص. ۸۷) و خمس بر مازاد نقدینگی (صدوق (شیخ)، ١٣٦٣، ج٤، ص. ۳۵۲؛ حر عاملی، ١٤١٦ق، ج۹، ص. ۵۵۳)، هزینه نگهداری سرمایه در حالت راکد

را افزایش می‌داد و صاحب مال را در برابر این انتخاب قرار می‌داد که یا ارزش دارایی خود را کاهش دهد یا آن را وارد چرخه تولید کند.

منع احتکار (حر عاملی، ١٤١٦ق، ج١٧، ص. ٤٢٤) و نهی از نجش و قیمت‌سازی کاذب – یعنی فروشنده با شخص ثالثی تبانی کند تا وارد معامله او با مشتری شود و قیمت بالاتری پیشنهاد دهد (افغانی، بی‌تا، صص. ٥٩–٤٦؛ هاشمی شاهرودی، ١٣٨٥، ج٢، ص. ١٨٩) – مانع شکل‌گیری قیمت‌های غیرواقعی و حباب‌های مصنوعی می‌شد؛ حباب‌هایی که معمولاً سرمایه‌ها را از تولید به سمت سفته‌بازی سوق می‌دهند. نظارت مستقیم بر بازار (کلینی، ١٣٦٣، ج٥، ص. ١٦٠؛ ابن حجر عسقلانی، ١٤١٥ق، ج٣، ص. ٨٨) و حضور فعال حاکمیت در تنظیم سلامت معاملات نیز از شکل‌گیری انحصارها و رفتارهای ضد رقابتی جلوگیری می‌کرد.

نتیجه این مجموعه سیاست‌ها، محیطی بود که در آن فعالیت‌های غیرمولد پرهزینه و پرریسک و تولید واقعی کم‌ریسک‌تر و جذاب‌تر می‌شد.

۳-۳. احیای اراضی موات: مدل پیشران سرمایه‌گذاری

سیاست زمین یکی از قوی‌ترین ابزارها برای تحریک سرمایه‌گذاری واقعی و مولد به شمار می‌رفت. قاعده‌گذاری مشهور نبوی «من أحیا أرضاً میتهٔ فهی له» (کلینی، ١٣٦٣، ج٥، ص. ٢٨٠)، نقطه عطفی در تبدیل زمین از کالایی سوداگرانه به پاداشی برای کار و سرمایه‌گذاری واقعی بود. بر اساس این قاعده، مالکیت نه از مسیر تصاحب یا خریدوفروش غیرمولد، بلکه از طریق احیا، عمران و به‌کارگیری سرمایه و نیروی کار حاصل می‌شد. این سیاست، مانع اصلی ورود به تولید یعنی هزینه بالای دسترسی به زمین را حذف می‌کرد و سرمایه‌گذاران را به سمت حفر چاه، آبادانی بیابان‌ها و توسعه کشاورزی سوق می‌داد.

نکته مهم آن است که استمرار حق بهره‌برداری منوط به ادامه فعالیت تولیدی بود و در صورت رها شدن زمین، حق استفاده از آن سلب می‌شد. این قاعده تضمین می‌کرد که هیچ منبع پایه‌ای در اقتصاد دولت نبوی بدون استفاده باقی نماند و زمین به ابزار احتکار یا سوداگری تبدیل نشود. درنتیجه، سرمایه‌ها به‌جای قفل شدن در دارایی‌های غیرمولد، به سمت تولید و خلق ارزش‌افزوده واقعی هدایت می‌شدند.

واگذاری و سرمایه‌گذاری دولت نبوی در منابع طبیعی و زیرساخت‌های پایه‌ای، مثالی از مخارج عمومی با آثار گسترده کلان اقتصادی است. این مخارج با کاهش هزینه‌های مبادله و ریسک تولید، ظرفیت تولید بخش اقتصاد مردمی را گسترش داد و به افزایش سرمایه‌گذاری، تولید واقعی و رفاه اجتماعی منجر شد. این اقدامات تحت مفهوم ضریب فزاینده تولید قابل تحلیل هستند. به این معنا که هر واحد هزینه اولیه دولت، چندین برابر آن در تولید و سرمایه‌گذاری مردمی بازمی‌گردد و موجب ایجاد اثر درون‌رانی و تحریک فعالیت‌های اقتصادی می‌شود.

ساماندهی منابع آب، انحصارزدایی از آن، مجوز حفر چاه در ضمن احیای اراضی موات و نیز واگذاری چاه‌ها به افراد نیازمند، بستری برای تأمین آب پایدار فراهم آورد که موجب کاهش ریسک تولید و افزایش انگیزه سرمایه‌گذاری مردمی شد. پس از تأمین زیرساخت آب، مردم هزینه‌های متغیر مانند تسطیح اراضی، کاشت درختان، توسعه باغ‌ها و آبیاری را برعهده گرفتند که این امر به تحریک سرمایه‌گذاری ثانویه مردمی انجامید. دولت نبوی با واگذاری انفال و زمین‌های موات، ظرفیت تولید و مالکیت مولد فقرا را افزایش داد. انفال و مالکیت دولتی منابع باعث برون‌رانی و خروج سرمایه‌گذاری مردمی نمی‌شد؛ زیرا پیامبر (ص) قاعده‌ای وضع کرده بودند که هر فرد یا گروهی می‌توانست با مجوز دولت، زمین‌های بلااستفاده را احیا و بهره‌برداری کند. این سازوکار باعث می‌شد که بخش مردمی بتواند در شرایط عادلانه و با فرصت برابر از منابع عمومی استفاده کند و حتی انگیزه برای فعالیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری بیشتر را تقویت می‌کرد. به‌عبارت‌دیگر، دولت نه منابع عمومی و اصلی را در انحصار خودش می‌گرفت و نه در بهره‌برداری از آن با مردم رقابت می‌کرد تا موجب خروج آن‌ها از بازار شود، بلکه با مدیریت منابع عمومی موجب دسترسی برابر مردم به منابع و ایجاد فضای رقابتی بین آن‌ها می‌شد.

ده‌ها مورد اقطاع زمین برای زراعت، باغداری و دامداری، عرضه زمین را افزایش می‌داد، هزینه ورود به تولید را کم می‌کرد و موجب تحریک مستقیم مردم برای کشاورزی می‌شد. قاعده عمومی احیای اراضی موات نیز زمین‌های بلااستفاده را به چرخه تولید وارد می‌کرد و اثر مستقیم بر تولید واقعی و سرمایه‌گذاری مردمی می‌گذاشت. مجوز بهره‌برداری از مراتع و چراگاه‌ها، دسترسی عادلانه نیازمندان و دامداران کوچک را به علوفه فراهم می‌کرد.

اشتغال پایدار، افزایش تولیدات زراعی و دامی، تقویت امنیت غذایی و توسعه صادرات محصولات کشاورزی، نتیجه این برنامه‌های زیرساختی بود. با افزایش درآمد و دارایی مولد مردم، درآمد بیت‌المال نیز افزایش می‌یافت. دولت نبوی هزینه-فرصت واگذاری زمین، هزینه عدم‌النفع درآمدی و هزینه مدیریتی و نظارتی منابع طبیعی را متحمل می‌شد تا تولید واقعی اقتصاد افزایش یابد؛ یعنی به‌جای بازتوزیع صِرف منابع، گردش مالی بدون ارزش‌افزوده، مصرف‌گرایی و وابستگی مداوم به بیت‌المال، ظَرفیت‌های پایدار تولیدی خلق شد. این سیاست‌ها افراد را از دریافت‌کننده حمایت به کنشگر توانمند و تولیدکننده اقتصادی تبدیل کرد.

ازاین‌رو هزینه‌کرد و سرمایه‌گذاری دولت در بازار، زیرساخت‌ها و منابع طبیعی نه‌تنها فعالیت اقتصادی خصوصی را تضعیف نکرد، بلکه با ایجاد اثر درون‌رانی، کنشگری اقتصادی مردمی را تحریک کرد. کاهش هزینه مبادله، کاهش ریسک تولید، افزایش سرمایه‌گذاری ثانویه مردمی، رشد تولید واقعی و گسترش رفاه عمومی، کانال‌های اثر اقتصادی مخارج دولت بودند. دولت نه در قامت رقیب، بلکه به‌عنوان حامی و مکمل از طریق الگوی کارای هزینه‌کرد، بستر را برای سودآوری فعالیت‌های مولد مردمی فراهم کرد و ثروت عمومی را به سرمایه اجتماعی و اقتصادی و توانمندسازی پایدار تبدیل کرد.

جدول ۲. کارکرد قواعد و قراردادها در حل چالش‌های تولید

نوع عقد/سیاست	مکانیسم نهادی	چالش معادل در اقتصاد امروز ایران
مزارعه و مساقات	تقسیم ریسک تولید بین مالک و عامل	ناتوانی تولیدکننده در پرداخت اقساط وام در زمان خشک‌سالی/بحران
مضاربه	پیوند سرمایه نقد با تخصص و کار	انحراف یا انجماد نقدینگی در بانک‌ها و عدم دسترسی کارآفرینان و تولیدکنندگان به سرمایه
قاعده احیای مشروط	سلب حق مالکیت در صورت عدم احیا	احتکار زمین، معادن و مجوزهای دولتی توسط دلالان
تحریم نجش و احتکار	حذف حباب‌های قیمتی و سوداگری	نوسانات شدید قیمت کالاها به دلیل سفته‌بازی و احتکار

منبع: یافته‌های پژوهش.

٤. هدایت هوشمند سرمایه

جمع‌بندی شواهد نشان می‌دهد که در الگوی حکمرانی نبوی، هدایت سرمایه نه به‌صورت دستوری و مقطعی، بلکه از طریق ترکیب هم‌زمان دو مسیر مکمل صورت می‌گرفت. این الگو را می‌توان به‌مثابه یک نظام هدایت هوشمند سرمایه توصیف کرد که در آن، جریان نقدینگی به‌طور طبیعی به سمت فعالیت‌های مولد سوق داده می‌شود. در این مدل، رفتار سرمایه‌گذار تحت تأثیر یک چیدمان انگیزشی دوگانه قرار دارد. از سویی، نگهداری سرمایه در حالت راکد پرهزینه و از سوی دیگر، مسیرهای امن و پربازدهی برای به‌کارگیری آن در تولید فراهم می‌شود. حاصل این پیوند، حرکت تدریجی و پایدار سرمایه‌ها از فعالیت‌های غیرمولد به بخش واقعی اقتصاد است.

٤-۱. مکانیسم فشار: افزایش هزینه رکود دارایی

نخستین جزء این الگو، مکانیسمی است که هزینه نگهداری دارایی‌های راکد را افزایش می‌دهد. در دولت نبوی، ابزارهای مالیه عمومی به‌ویژه خمس و زکات بر نقدینگی و اموال قابل انباشت به‌گونه‌ای عمل می‌کردند که انجماد سرمایه بدون مشارکت در تولید مستلزم پرداخت هزینه باشد. درنتیجه، سرمایه‌دار با انتخابی روشن مواجه می‌شد؛ یا دارایی خود را در چرخه فعالیت اقتصادی به جریان اندازد یا با کاهش تدریجی ارزش آن روبه‌رو شود.

از منظر اقتصادی، این سیاست هزینه–فرصت نگهداری پول خارج از فرایند تولید را بالا می‌برد و نقدینگی را از حالت سکون خارج می‌کند. نکته مهم آن است که این فشار نه از مسیر اجبار مستقیم، بلکه از طریق قواعد عمومی و قابل پیش‌بینی اعمال می‌شد؛ به‌گونه‌ای که تصمیم نهایی برای به‌کارگیری سرمایه همچنان در اختیار صاحب آن باقی می‌ماند.

٤-۲. مکانیسم کشش: گشودن مسیرهای امن و پربازده تولید

در کنار افزایش هزینه رکود سرمایه، دولت نبوی هم‌زمان مسیرهای جذاب و کم‌ریسک را برای فعالیت مولد فراهم کرد. واگذاری حق بهره‌برداری از اراضی موات، رسمیت‌بخشی و ترویج عقود مشارکتی و تضمین حقوق طرفین قرارداد ازجمله سیاست‌هایی بودند که سرمایه‌گذاری در تولید را به گزینه‌ای منطقی و قابل اتکا تبدیل می‌کردند. در این چهارچوب، سرمایه‌گذار می‌دانست که به‌کارگیری سرمایه در قالب

مشارکت در سود و زیان نه‌تنها از نظر شرعی و حقوقی مشروع است، بلکه از امنیت معاملاتی و حمایت عملی حکومت نیز برخوردار خواهد بود. دسترسی به منابع پایه تولید به‌ویژه زمین و تقسیم ریسک میان سرمایه و کار، بازده انتظاری فعالیت‌های مولد را افزایش و نااطمینانی سرمایه‌گذاری را کاهش می‌داد.

٤-٣. برایند دو مکانیسم: هدایت خودکار سرمایه به بخش مولد

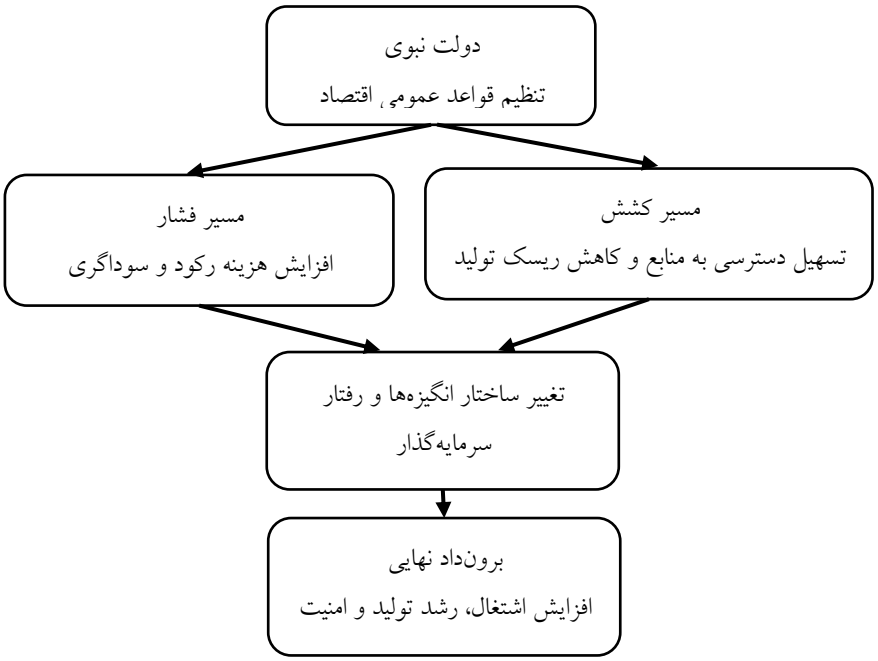
هم‌افزایی این دو مسیر یعنی افزایش هزینه رکود و تسهیل جریان سرمایه به تولید منجر به نوعی هدایت خودکار سرمایه‌ها شد. در این وضعیت، بدون نیاز به مداخله مستقیم یا دستورهای موردی، نقدینگی جامعه به‌تدریج از فعالیت‌های غیرمولد فاصله می‌گرفت و به سمت کشاورزی، صنعت، تجارت واقعی و خدمات مولد حرکت می‌کرد.

این الگو نشان می‌دهد که در حکمرانی نبوی، سیاست اقتصادی بر تغییر محیط تصمیم‌گیری استوار بود. سرمایه‌گذار در مواجهه با این چیدمان، به‌صورت عقلایی مسیر تولید را انتخاب می‌کرد؛ زیرا هم از فشار رکود سرمایه می‌گریخت و هم از مزایای جریان یافتن آن در فعالیت‌های واقعی بهره‌مند می‌شد. درنتیجه، تخصیص منابع در اقتصاد مدینه به شکلی پایدار و هماهنگ با ظرفیت‌های واقعی جامعه انجام می‌گرفت.

٤-٤. مدل مفهومی حکمرانی نبوی برای تقویت سرمایه‌گذاری مولد

برایند یافته‌های این بخش را می‌توان در قالب مدل مفهومی حکمرانی نبوی برای تقویت سرمایه‌گذاری مولد صورت‌بندی کرد. در این مدل، دولت نبوی از طریق تنظیم قواعد عمومی اقتصاد، هم‌زمان دو سازوکار مکمل را فعال می‌کند؛ «فشار بر رکود و سوداگری سرمایه» از طریق افزایش هزینه نگهداری دارایی‌های راکد و «کشش به سوی فعالیت مولد» از طریق تسهیل دسترسی به منابع پایه، حمایت از ترتیبات مشارکتی و تضمین حقوق معاملاتی. برهم‌کنش این دو سازوکار، ساختار انگیزه‌های اقتصادی و محیط تصمیم‌گیری سرمایه‌گذار را تغییر می‌دهد و سرمایه را از فعالیت‌های کم‌مولد به سمت فعالیت‌های واقعی هدایت می‌کند. پیامد نهایی این فرایند، تقویت سرمایه‌گذاری مولد و به‌تبع آن، افزایش تولید، اشتغال و امنیت اقتصادی است. بنابراین، منطق ارتباطی و تبیینی مدل را می‌توان به‌صورت زیر خلاصه کرد:←

تنظیم قواعد عمومی اقتصاد ← فشار بر رکود و کشش به تولید ← تغییر انگیزه و رفتار سرمایه‌گذاری ← هدایت سرمایه به فعالیت‌های مولد ← تقویت سرمایه‌گذاری، تولید و اشتغال.



شکل ۱. مدل مفهومی حکمرانی نبوی برای تقویت سرمایه‌گذاری مولد

منبع: یافته‌های پژوهش.

۵. دلالت‌های الگوی حکمرانی نبوی برای اصلاح ساختار اقتصادی ایران

جمع‌بندی یافته‌های حاصل از بررسی الگوی حکمرانی اقتصادی در عصر نبوی نشان می‌دهد که ریشه بسیاری از چالش‌های ساختاری اقتصاد ایران نه ناشی از کمبود منابع طبیعی، انسانی یا مالی، بلکه حاصل انحراف نحوه تنظیم قواعد اقتصادی و غلبه گفتمان‌های غیرمولد است. مسئله اصلی اقتصاد، چگونگی به‌کارگیری منابع است نه صرفاً میزان آن‌ها. از این منظر، سیره نبوی واجد دلالت‌های معناداری برای بازاندیشی در سیاست‌گذاری اقتصادی ایران است.

۵-۱. تغییر پارادایم از «مدیریت ناترازی و گران‌سازی» به «تسهیل تولید و ارتقای بهره‌وری»

یکی از نتایج مهم این تحقیق، نقد گفتمان مسلطی است که مشکلات اقتصاد ایران را عمدتاً در قالب «ناترازی» صورت‌بندی و راه‌حل آن را در افزایش قیمت نهاده‌ها، انرژی و دارایی‌های عمومی جست‌وجو می‌کند. این رویکرد، ممکن است در کوتاه‌مدت برخی ترازهای مالی را بهبود بخشد، اما در عمل هزینه تولید را افزایش می‌دهد و انگیزه سرمایه‌گذاری مولد را تضعیف می‌کند.

الگوی نبوی نشان می‌دهد که دولت به‌جای جبران کسری‌ها از مسیر گران‌سازی منابع پایه، باید نقش تسهیلگر دسترسی تولیدکننده واقعی به این منابع را ایفا کند. در این الگو، زمین، آب و دیگر دارایی‌های عمومی به‌گونه‌ای در اختیار فعالان اقتصادی قرار می‌گرفت که سودآوری از محل تولید و کار محقق شود نه از محل رانت، افزایش قیمت یا فروش دارایی‌های ملی. دلالت این تجربه برای اقتصاد ایران، ضرورت تغییر تمرکز سیاستی از «درآمدزایی قیمتی» به «کاهش هزینه تولید و افزایش بهره‌وری واقعی» است.

۵-۲. اصلاح نظام بانکی: گذار از خلق بدهی به مشارکت در تولید

یکی از موانع اصلی سرمایه‌گذاری مولد در ایران، انجماد نقدینگی در شبکه بانکی و جهت‌گیری آن به سمت فعالیت‌های غیرمولد است. بررسی سیره نبوی نشان می‌دهد که هدایت سرمایه از مسیر مشارکت واقعی در سود و زیان صورت می‌گرفت نه از طریق وام‌دهی با بازده تضمین‌شده.

کاربست این منطق در اقتصاد ایران مستلزم آن است که نظام بانکی از تمرکز بر خلق بدهی، جریمه دیرکرد و بنگاه‌داری فاصله بگیرد و به شریک واقعی تولیدکننده تبدیل شود. جایگزینی تدریجی سازوکارهای مبتنی بر بهره با عقود واقعی مشارکتی، بانک‌ها را وادار می‌کند که به کیفیت و توجیه اقتصادی طرح‌ها توجه و ریسک را با تولیدکننده تقسیم کنند. درنتیجه، اعتبارات به‌جای بازارهای دارایی، به سمت فعالیت‌های دارای ارزش‌افزوده هدایت خواهد شد.

۵-۳. دلارزدایی و ثبات‌بخشی به هزینه‌های سرمایه‌گذاری

نوسانات شدید نرخ ارز در اقتصاد ایران، پیش‌بینی‌پذیری را از بین برده و سرمایه‌گذاری بلندمدت را به فعالیتی پرریسک تبدیل کرده است. در چنین شرایطی، پول به‌تدریج از ابزار مبادله به ابزار ذخیره ارزش و سوداگری تغییر کارکرد می‌دهد. تجربه دولت نبوی نشان می‌دهد که ثبات نسبی اقتصادی و قطع پیوند هزینه‌های داخلی با متغیرهای بیرونی، امکان برنامه‌ریزی اقتصادی را برای فعالان تولید فراهم می‌کند. دلالت این الگو برای ایران، ضرورت کاهش وابستگی قیمت‌گذاری زنجیره تولید به‌ویژه در حوزه انرژی، معادن و نهاده‌های پایه به نرخ ارز و تقویت نقش پول ملی در محاسبات اقتصادی است. این اقدام ریسک سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد و افق‌های بلندمدت تولید را احیا می‌کند.

۵-٤. مولدسازی دارایی‌های دولت با رویکرد «پاداش به کار»

در بسیاری از سیاست‌های رایج، دارایی‌های دولت به‌عنوان منبعی برای جبران کسری بودجه و از طریق فروش قطعی مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ رویکردی که اغلب به تغییر کاربری، احتکار و سوداگری منابع می‌انجامد. در مقابل، الگوی نبوی بر واگذاری حق بهره‌برداری مشروط به تولید تأکید دارد. کاربست این رویکرد در ایران به معنای آن است که اراضی و معادن دولتی نه به بالاترین قیمت پیشنهادی، بلکه بر اساس بهترین طرح تولیدی واگذار شوند. استمرار حق بهره‌برداری باید مشروط به تحقق ارزش‌افزوده و تداوم فعالیت اقتصادی باشد و در صورت عدم تحقق، منابع به دولت بازگردد. چنین سیاستی، دارایی‌های عمومی را از منبع رانت به محرک سرمایه‌گذاری مولد تبدیل می‌کند.

جدول ۳. مقایسه پارادایم «گران‌سازی» و پارادایم «تسهیلی و تنظیمی»

شاخص مقایسه	رویکرد کنونی (مدیریت ناترازی)	الگوی حکمرانی نبوی (تسهیل تولید)
منطق اصلاحات	شوک قیمتی و گران‌سازی نهاده‌ها	کاهش هزینه مبادله و تسهیل دسترسی به منابع
نگاه به منابع عمومی	منبع درآمدی برای جبران کسری بودجه	ابزار هدایت اعتبار و پاداش به تولیدکننده
نظام بانکی	مبتنی بر بدهی، جریمه دیرکرد و ربا	مبتنی بر مشارکت واقعی در سود و زیان
مدیریت نقدینگی	عملیات بازار باز و نرخ بهره بانکی	جریمه بر انجماد سرمایه و تشویق جریان
پیامد اقتصادی	رکود تورمی و تضعیف بخش مولد	جهش تولید و توزیع عادلانه ثروت عمومی

منبع: یافته‌های پژوهش.

نتیجه‌گیری و پیشنهادهای سیاستی

این مقاله با رویکرد نظری-نهادی و تمایز صریح میان تاریخ‌نگاری و مدل‌سازی تحلیلی، می‌کوشد منطق تنظیم‌گری اقتصادی در سیره نبوی را استخراج کند و آن را به‌عنوان الگویی الهام‌بخش برای تحلیل چالش‌های اقتصاد معاصر ارائه دهد؛ بدون ادعای بازتولید کامل واقعیت تاریخی یا تجویز مستقیم سیاستی. پژوهش حاضر که با هدف تبیین الگوی حکمرانی دولت نبوی در پیوند میان مالیه عمومی و سرمایه‌گذاری تولیدی انجام شده است، نشان می‌دهد که شکوفایی اقتصادی دولت مدینه نه حاصل شرایط استثنایی یا وفور تصادفی منابع، بلکه پیامد طراحی آگاهانه مجموعه‌ای از قواعد مالی و حقوقی بود که رفتار سرمایه‌گذار را به‌صورت پایدار به سمت تولید هدایت می‌کرد. در این الگو، دولت نه به‌عنوان تولیدکننده یا قیمت‌گذار، بلکه به‌عنوان تنظیم‌کننده قواعد عمومی اقتصاد عمل می‌کرد؛ به‌گونه‌ای که از سویی رکود و انجماد سرمایه پرهزینه و از سوی دیگر، مسیرهای امن، کم‌ریسک و پربازده برای فعالیت‌های مولد گشوده می‌شد.

یافته‌ها نشان می‌دهد که دولت نبوی با پیوند هدفمند میان ابزارهای مالیه عمومی (مانند زکات، خمس و انفال) و قواعد حقوقی سرمایه‌گذاری، سازوکاری خودتقویتگر برای هدایت سرمایه ایجاد کرده بود. مالیات بر نقدینگی، هزینه نگهداری پول را در حالت راکد افزایش می‌داد و بدین ترتیب، انگیزه انباشت غیرمولد را تضعیف می‌کرد. در مقابل، سیاست واگذاری اراضی موات و منابع پایه به‌شرط احیا، هزینه ورود به بخش تولید را به حداقل می‌رساند و بازده فعالیت واقعی را افزایش می‌داد. در این چهارچوب، سودآوری سرمایه نه از مسیر بهره پول، بلکه از مسیر کار، تولید و بهره‌وری تحقق می‌یافت. به بیان دیگر، محور نظام اقتصادی نبوی «کارمحوری» بود نه «پول‌محوری»؛ الگویی که به‌طور ساختاری، سرمایه را به اقتصاد واقعی پیوند می‌زد.

یکی از دستاوردهای مهم این پژوهش، نقد علمی گفتمان مسلط بر سیاست‌گذاری اقتصادی معاصر ایران است. درحالی‌که در ادبیات رایج، مشکلات اقتصادی عمدتاً به یارانه‌های پنهان و ناترازی‌ها فروکاسته شده است و راه‌حل در افزایش قیمت نهاده‌ها جست‌وجو می‌شود، الگوی نبوی نشان می‌دهد که مسیر خروج از رکود، نه گران‌سازی، بلکه تسهیل تولید است. در دولت نبوی، منابع پایه و دارایی‌های عمومی نه به‌عنوان منبع

درآمدی برای جبران کسری، بلکه به‌عنوان ابزار توانمندسازی تولیدکننده به کار گرفته می‌شدند. تجربه مدینه نشان می‌دهد که اگر دولت امنیت حقوق مالکیت را تضمین و دسترسی به نهاده‌های تولید را تسهیل کند، سرمایه‌ها به‌طور طبیعی از سوداگری فاصله می‌گیرند و به سمت فعالیت‌های ارزش‌آفرین حرکت خواهند کرد.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، پیشنهادهای زیر برای اصلاح مسیر سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران ارائه می‌شود.

۱. بازتعریف نظام مالیاتی با تمرکز بر دارایی‌های غیرمولد: انتقال بار مالیاتی از بخش تولید به سمت دارایی‌های راکد و سوداگرانه (زمین معطل، ارز و طلا) به‌منظور افزایش هزینه انجماد سرمایه و هدایت نقدینگی به فعالیت‌های مولد.
۲. اصلاح نظام بانکی و گذار از تولید بدهی به مشارکت واقعی: جایگزینی بانکداری مبتنی بر بدهی و جریمه دیرکرد با نظام تأمین مالی مشارکتی؛ به‌گونه‌ای که منافع بانک با موفقیت واقعی تولیدکننده گره بخورد.
۳. مولدسازی دارایی‌های دولت با رویکرد بهره‌برداری مشروط: واگذاری اراضی و منابع ملی نه از طریق فروش قطعی، بلکه در قالب حق بهره‌برداری بلندمدت مشروط به ایجاد ارزش‌افزوده و اشتغال؛ به‌گونه‌ای که تداوم بهره‌برداری منوط به استمرار تولید باشد.
۴. دلارزدایی از هزینه‌های تولید و بازگرداندن پیش‌بینی‌پذیری: قطع پیوند قیمت‌گذاری داخلی نهاده‌های تولید با نوسانات ارزی و تنظیم آن بر پایه هزینه‌های واقعی داخلی به‌منظور کاهش ریسک سرمایه‌گذاری بلندمدت.
۵. تقویت مشارکت اجتماعی در تأمین زیرساخت‌های تولید: بهره‌گیری از ظرفیت‌های وقف، انفاقات و مشارکت‌های مردمی برای توسعه زیرساخت‌های عمومی به‌ویژه در مناطق محروم با هدف کاهش هزینه‌های جانبی تولید.

حاصل آنکه، الگوی حکمرانی نبوی نشان می‌دهد که عدالت و رشد تولید دو مسیر جداگانه نیستند، بلکه در یک چهارچوب واحد تحقق می‌یابند. هدایت سرمایه به بخش مولد بیش از آنکه نیازمند تزریق نقدینگی یا مداخله‌های قیمتی باشد، مستلزم اصلاح قواعدی است که سود را به کار و تولید پیوند می‌زند و رانت و سوداگری را پرهزینه

می‌کند. این الگو، افزون‌بر ریشه‌های تاریخی و دینی، از ظرفیت بالایی برای الهام‌بخشی به اصلاحات ساختاری اقتصاد معاصر برخوردار است.

کتابنامه

قرآن کریم.

ابن حجر عسقلانی، احمدبن‌علی (١٤١٥ق). *الاصابة فی تمییزالصحابه*. ج١ و ٣، بیروت: دارالکتب‌العلمیة.

ابن زنجویه، حمیدبن‌مخلد (١٤٠٦ق). *الاموال*. ج٣، بی‌جا: مرکز الملک فیصل للبحوث والدراسات‌الاسلامیة.

ابن سعد، محمدبن‌سعد (١٩٦٠م). *الطبقات‌الکبری*. ج١ و ٢، بیروت: دار صادر.

ابن عبدالبر القرطبی، یوسف‌بن‌عبدالله‌بن‌محمد (١٤١٢ق). *الاستیعاب فی معرفةالاصحاب*. ج٢ و ٣، بیروت: دارالجیل.

ابن هشام، عبدالملک (بی‌تا). *السیرةالنبویة*. ج١ و ٢، بیروت: دارالمعرفة.

ابوعبید، قاسم‌بن‌سلام (بی‌تا). *الاموال*. ج١، بیروت: دارالفکر.

احمدی میانجی، علی (١٤١٩ق). *مکاتیب‌الرسول (ص)*. ج١ و ٣، قم: دارالحدیث.

افغانی، سعید (بی‌تا). *اسواق‌العرب فی‌الجاهلیة والاسلام*. بی‌جا: بی‌نا.

بخاری، محمدبن‌اسماعیل (١٤٢٢ق). *صحیح البخاری*. ج٢، ٣ و ٩، دمشق: دار طوق‌النجاة.

بلاذری، احمدبن‌یحیی (١٩٥٦م). *فتوح‌البلدان*. ج١، قاهره: مکتبةالنهضةالمصریة.

بیهقی، ابوبکر (١٤٢٤ق). *السنن‌الکبری*. ج٦، چاپ ٣، بیروت: دارالکتب‌العلمیة.

ثقفی کوفی، ابراهیم‌بن‌محمد (١٤١٠ق). *الغارات* (عبدالزهراء حسینی، محقق). ج١، قم: دارالکتاب‌الاسلامی.

حر عاملی، محمدبن‌حسن (١٤١٦ق). *تفصیل وسائل‌الشیعة الی تحصیل مسائل‌الشریعة*. ج٩، ١٧، ١٨، ١٩ و ٢٥، قم: مؤسسه آل‌البیت لاحیاءالتراث.

حلی (محقق)، نجم‌الدین جعفربن‌حسن (١٤٠٨ق). *شرایع‌الاسلام*. ج٢، چاپ ٢، قم: مؤسسه اسماعیلیان.

حموی، یاقوت (۱۳۹۹ق). *معجم‌البلدان*. ج۵، بیروت: دار احیاءالتراث‌العربی.

شریف، احمد ابراهیم (بی‌تا). *مکه والمدینة فی‌الجاهلیة و عهدالرسول*. ج۱، بی‌جا: دارالفکرالعربی.

شریف‌زاده، محمدجواد (۱۳۹۱). *حقوق و اقتصاد در اسلام؛ مقدمه‌ای بر تحلیل اقتصادی نهادهای حقوق اسلامی با تأکید بر تاریخ صدر اسلام*. تهران: دانشگاه امام‌صادق (ع).

صدوق (شیخ)، ابن‌بابویه محمدبن‌علی (۱۳٦۳). *من لا یحضره‌الفقیه*. ج۳ و ٤، قم: مؤسسه نشر اسلامی.

طبرسی، فضل‌بن‌حسن (۱٤۱۷ق). *اعلام‌الوری باعلام‌الهدی*. ج۱، قم: آل‌البیت.

طوسی (شیخ)، محمدبن‌حسن (۱۳٦۵). *تهذیب‌الاحکام*. ج٤ و ۷، تهران: دارالکتب‌الاسلامیة.

عاملی، سیدجعفر مرتضی (۱۳۸۷). *السوق فی ظل‌الدولة‌الاسلامیة*. قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان.

عاملی، سیدجعفر مرتضی (۱٤۲٦ق). *الصحیح من سیرةالنبی‌الاعظم (ص)*. ج۹، قم: دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر.

کلینی، محمدبن‌یعقوب (۱۳٦۳). *الکافی*. ج۱، ۳ و ۵ تهران: دارالکتب‌الاسلامیة.

متقی هندی، علی‌بن‌حسام‌الدین (۱٤۰۱ق). *کنزالعمال فی سنن‌الاقوال والافعال*. ج٤، چاپ ۵، بیروت: مؤسسه الرسالة.

مجلسی، محمدباقربن‌محمدتقی (۱۳٦۸). *بحارالانوارالجامعة لدرر اخبارالائمة‌الاطهار*. ج۲۱، بیروت: دار احیاءالتراث‌العربی.

مقریزی، تقی‌الدین احمدبن‌علی (۱٤۲۰ق). *امتاع‌الاسماع بما للنبی من‌الاحوال والاموال والحفده والمتاع*. ج۱، بیروت: دارالکتب‌العلمیة.

موسوی بجنوردی، سیدحسن (۱۳۷۷). *القواعدالفقهیة*. قم: الهادی.

نوری، حسین‌بن‌محمدتقی (۱٤۰۸ق). *مستدرک‌الوسائل و مستنبط‌المسائل*. ج۱۳، ۱٤ و ۱۷، قم: مؤسسه آل‌البیت لاحیاءالتراث.

هاشمی شاهرودی، سیدمحمود (۱۳۸۵). *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل‌بیت*. ج۱ و ۲، چاپ ۲، قم: مؤسسه *دائرةالمعارف* فقه اسلامی.

واقدی، محمدبن‌عمر (۱٤۰۹ق)، *المغازی* (مارسدن جونس، محقق). ج۱، ۲ و ۳، بیروت: دارالاعلمی.

Abū 'Ubayd, Qāsim ibn Sallām (n.d.). *Al-Amwāl*. Dar al-Fikr. [In Arabic]

Afghānī, Sa'īd (n.d.). *Aswāq al-'arab fī al-jāhiliyyah wa al-islām*. s.n. [In Arabic]

Aḥmadī Miyānjī, 'Alī (1419 AH/1998). *Makātīb al-Rasūl (PBUH)*. Dar al-Hadith. [In Arabic]

Āmilī, Sīd Ja'far Murtażā (1387 SH/2008). *Al-Sūq fī ẓill al-dawlah al-islāmiyyah*. Tabyan Cultural and Information Institute. [In Persian]

Āmilī, Sīd Ja'far Murtażā (1426 AH/2005). *Al-Ṣaḥīḥ min sīrat al-Nabī al-a'ẓam (PBUH)*. Dar al-Hadith, Printing and Publishing Organization. [In Arabic]

Balādhurī, Aḥmad ibn Yaḥyā (1956). *Futūḥ al-buldān*. Maktabat al-Nahḍah al-Miṣriyyah. [In Arabic]

Bayhaqī, Abū Bakr (1424 AH/2003). *Al-Sunan al-kubrā* (3rd ed.). Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah. [In Arabic]

Bukhārī, Muḥammad ibn Ismā'īl (1422 AH/2001). *Ṣaḥīḥ al-Bukhārī*. Dar Ṭawq al-Najāh. [In Arabic]

Ḥamawī, Yāqūt (1399 AH/1979). *Mu'jam al-buldān*. Dar Iḥyā' al-Turāth al-'Arabi. [In Arabic]

Hāshimī Shāhrūdī, Sīd Maḥmūd (1385 SH/2006). *Dictionary of jurisprudence according to Ahl al-Bayt school* (2nd ed.). Institute of Islamic Jurisprudence Encyclopedia. [In Persian]

Ḥurr al-'Āmilī, Muḥammad ibn Ḥasan (1416 AH/1995). *Tafṣīl wasā'il al-shī'ah ilā taḥṣīl masā'il al-sharī'ah*. Mu'assasat Āl al-Bayt (AS) li-Iḥyā' al-Turāth. [In Arabic]

Ibn 'Abd al-Barr al-Qurṭubī, Yūsuf ibn 'Abdallāh ibn Muḥammad (1412 AH/1992). *Al-Istīʿāb fī maʿrifat al-aṣḥāb*. Dar al-Jil. [In Arabic]

Ibn Ḥajar al-ʿAsqalānī, Aḥmad ibn 'Alī (1415 AH/1995). *Al-Iṣābah fī tamyīz al-ṣaḥābah*. Dar al-Kutub al-ʿIlmiyyah. [In Arabic]

Ibn Hishām, 'Abd al-Malik (n.d.). *Al-Sīrah al-nabawiyyah*. Dar al-Ma'rifah. [In Arabic]

Ibn Sa'd (1960). *Al-Ṭabaqāt al-kubrā*. Dar Sader. [In Arabic]

Ibn Zanjūwayh, Ḥumayd ibn Makhlad Khurāsānī (1406 AH/1986). *Al-Amwāl*. King Faisal Center for Research and Islamic Studies. [In Arabic]

Kulaynī, Muḥammad ibn Ya'qūb (1363 SH/1984). *Al-Kāfī*. Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Persian]

Majlisī, Muḥammad Bāqir ibn Muḥammad Taqī (1368 SH/1989). *Biḥār al-anwār al-jāmi'ah li-durar akhbār al-a'immah al-aṭhār (AS)*. Dar Iḥyā' al-Turāth al-'Arabi. [In Persian]

Maqrīzī, Taqī al-Dīn Aḥmad ibn 'Alī (1420 AH/1999). *Imtā' al-asmā' bimā lil-nabī min al-aḥwāl wa al-amwāl wa al-ḥafadah wa al-matā'*. Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah. [In Arabic]

Mercur Nicholas, *Law and Economics*, Boston / Pordrecht London, 1989.

Mercur Nicholas, *Law and Economics*, Boston / Pordrecht London, 1989.

Muḥaqqiq Ḥillī, Najm al-Dīn Ja'far ibn Ḥasan (1408 AH/1988). *Sharā'i' al-islām* (2nd ed.). Ismailiyan Institution. [In Arabic]

Mūsawī Bujnūrdī, Sīd Ḥasan (1377 SH/1998). *Al-Qawā'id al-fiqhiyyah*. Nashr al-Hadi. [In Persian]

Muttaqī Hindī, 'Alī ibn Ḥusām al-Dīn (1401 AH/1981). *Kanz al-'ummāl fī sunan al-aqwāl wa al-af'āl* (5th ed.). Mu'assasat al-Risalah. [In Arabic]

Nūrī, Ḥusayn ibn Muḥammad Taqī (1408 AH/1988). *Mustadrak al-wasā'il wa mustanbiṭ al-masā'il*. Mu'assasat Āl al-Bayt (AS) li-Iḥyā' al-Turāth. [In Arabic]

Sharīf, Aḥmad Ibrāhīm (n.d.). *Makkah wa al-Madīnah fī al-jāhiliyyah wa 'ahd al-Rasūl*. Dar al-Fikr al-'Arabi. [In Arabic]

Sharifzadeh, M. J. (1391 SH/2012). *Rights and economy in Islam: An introduction to the economic analysis of Islamic legal institutions with an emphasis on early Islamic history*. Imam Sadiq University. [In Persian]

Shaykh Ṣadūq, Ibn Bābūyah Muḥammad ibn 'Alī (1363 SH/1984). *Man lā yaḥḍuruhu al-faqīh*. Islamic Publications Institute. [In Persian]

Shaykh Ṭūsī, Muḥammad ibn Ḥasan (1365 SH/1986). *Tahdhīb al-aḥkām*. Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Persian]

Ṭabarsī, Faḍl ibn Ḥasan (1417 AH/1996). *I'lām al-warā bi-a'lām al-hudā*. Āl al-Bayt (AS). [In Arabic]

Thaqafī Kūfī, Ibrāhīm ibn Muḥammad (1410 AH/1990). *Al-Ghārāt* (A. Husayni, Ed.). Dar al-Kitab al-Islami. [In Arabic]

Wāqidī, Muḥammad ibn 'Umar (1409 AH/1989). *Al-Maghāzī* (M. Jones, Ed.). Dar al-A'lami. [In Arabic]